

## Exegetic Innovations of Min Wahy al-Qur'an (Case Study: Surah Al-Jumu'ah)

(Received: 2022-10-13 Accepted: 2023-01-09)

Ramesh Hallajian<sup>1</sup>, Mahdi Mehrizi<sup>2</sup>, Seed Mohamad Ali Ayazi<sup>3</sup>

### Abstract

Quran transcends time; thus, its exegesis must be progressive and up to date. The presentation of a novel exegesis of Quranic verses and surahs is also emphasized in narratives. In a time when Islamic sciences are developing and expanding, it is crucial to examine the exegetic innovations. This study examined levels of innovation in Sayyid Muhammad Husayn Fadl Allah's Wahy al-Qur'an with a focus on Surah Al-Jumu'ah. This qualitative research conducted a desk study. The case study of Surah Al-Jumu'ah indicated that Fadl Allah adopts a novel and different view in his exegesis of the Quran. In so doing, he examines innovation in five levels, namely, literary, methodology, orientation, narratives, and Quranic sciences. His exegesis's innovation at the literary level -grammar and rhetoric- is in an emphasis on rhetorical points, non-emphasis on grammatical and lexical points, and presentation of exegesis in line with the style. At the methodology level, he employs the novel method of estihayi, and concerning orientation, Fadl Allah adopts a socio-educational approach and presents a socio-historical critique and analysis. At the methodology level, he presents a thematic-textual critique of the cause of the revelation of Surah Al-Jumu'ah. Regarding the Quranic sciences, in the analysis as well as Makki and Madani Surahs, there was no innovation in the exegesis of Surah Al-Jumu'ah. The findings indicated that Min Wahy al-Qur'an is an innovative exegesis.

**Keywords:** Innovation, Surah Al-Jumu'ah, Sayyid Muhammad Husayn Fadl Allah, Min Wahy al-Qur'an Exegesis

1) Ph.D. student, Quran and Hadith Sciences, Islamic Azad University, Science and Research Unit, Tehran, Iran, Email: hallajian1347@gmail.com

2) Associate Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Islamic Azad University, Science and Research Unit, Tehran, Iran, (The Corresponding Author), Email: m-mehrizi@srbiau.ac.ir

3) Assistant Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Islamic Azad University, Research Sciences Unit, Tehran, Iran, Email: ayazi1333@gmail.com

# نوآوری‌های علامه سید محمد حسین فضل الله در تفسیر من وحی القرآن (مطالعه موردی سوره جمعه)

(تاریخ دریافت: ۲۱-۰۷-۱۴۰۱ تاریخ پذیرش: ۱۹-۰۹-۱۴۰۱)

رامش حلاجیان اصفهانی<sup>۱</sup>، مهدی مهریزی<sup>۲</sup>، سید محمدعلی ایازی<sup>۳</sup>

## چکیده

قرآن فرازمانی است و تفسیر آن نیاز به روزآمدی و تحول دارد. روایات واصله نیز، ارائه تفاسیر نو از آیات را تأیید می‌کند. بر این اساس، بررسی نوآوری‌های مفسرین قرآن، ضرورتی عصری است که توسعه و رشد علوم اسلامی را در پی دارد. هدف این نوشتار، معرفی نوآوری‌های علامه سید محمد حسین فضل الله در تفسیر «من وحی القرآن»، با تمرکز بر سوره جمعه است. روش این پژوهش کیفی است و مسئله پژوهش این است که سید محمد حسین فضل الله چه نوآوری‌هایی در تفسیر «من وحی القرآن» دارد و این نوآوری‌ها با توجه به سوره مبارکه جمعه چگونه قابل تطبیق و طبقه‌بندی است؟ تفسیر «من وحی القرآن» تفسیری نوآور است و مطالعه موردی سوره جمعه حاکی از نگاه نو و متفاوت فضل الله در تفسیر او از قرآن کریم است. نوآوری‌های علامه فضل الله در تفسیر «من وحی القرآن» در پنج بخش ادبی، روشی، گرایشی، روایی و علوم قرآنی بررسی می‌شود. نتیجه پژوهش این است که نوآوری‌های فضل الله در بخش ادبی (مباحث دستور زبانی و بلاغی) شامل پرداختن به نکات بلاغی بی‌سابقه (و عدم اهتمام بر نکات دستوری و لغوی) و ارائه تفسیری متناسب با سیاق، به همراه تقسیم‌بندی‌های سیاقی نوین؛ در بخش روشی، شامل روش استیحایی؛ در بخش گرایشی، شامل ارائه تفسیری اجتماعی- تربیتی به انضمام نقد و تحلیل اجتماعی- تاریخی؛ در بخش روایی، شامل نقد محتوایی- متنی روایات شأن نزول است. در بخش علوم قرآنی ضمن بی‌اعتنایی به برخی از مباحث علوم قرآنی نظیر قرائات، با در نظر گرفتن فضای نزول آیات (مکی- مدنی)، به نوآوری‌هایی دست یافته است.

**کلیدواژه‌گان:** نوآوری، علامه فضل الله، تفسیر «من وحی القرآن»، سوره جمعه

(۱) دانشجوی دکتری، علوم قرآن و حدیث، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران، ایمیل: hallajian1347@gmail.com

(۲) دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران، (نویسنده مسئول)، ایمیل: m-mehrizi@srbiau.ac.ir

(۳) استادیار، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران، ایمیل: ayazi1333@gmail.com

## ۱. مقدمه

قرآن به دلیل جامعیت، جاودانگی، فراعصری بودن و پویایی، روشنگر مسیر نوین کمال انسان تا آخر تاریخ خواهد بود. از لوازم فراعصری بودن قرآن کریم، نو به نو شدن و تجدید مفاهیم آن است. ضروری بودن مسأله جاودانگی قرآن در میان مسلمانان و روایات فراوانی که از پیامبر و دیگر پیشوایان اسلام رسیده، ارائه تفسیرهای نو برای قرآن را روشن تر می‌سازد. (بنگرید: کلینی، ۱۴۲۹ق، ۳۹۸/۴؛ بحرانی، ۱۴۱۶ق، ۲۸/۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ۹۷/۸۹) یکی از این تفاسیر، تفسیر «من وحی القرآن» علامه سید محمدحسین فضل‌الله بن عبدالرئوف (۱۳۵۴-۱۴۳۱ق)، از علما و مفسرین معاصر است که افزون بر استعدادهای ذاتی و برجستگی علمی از عناصر فعال و مبارز در عرصه‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی لبنان بوده است. تا جایی که او به پدر معنوی جنبش اسلامی در این دیار شناخته شده است. تنوع آثار علامه فضل‌الله نماد چند جانبه‌نگری و سعه وجودی او است.<sup>۱</sup>

### ۱.۱. پیشینه پژوهش

در زمینه نوآوری در علوم گوناگون تا به حال پژوهش‌های فراوانی صورت گرفته است، اما کمتر پژوهشی در زمینه نوآوری‌های تفاسیر انجام شده است که در این جا به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود. از جمله:

پایان‌نامه‌ها: «بررسی منهج تفسیری و برخی نوآوری‌های ابن عاشور در تفسیر التحریر و التنویر»، شفیعی، علی، به راهنمایی: رضا مؤدب، ۱۳۸۴ش، «بررسی دیدگاه‌ها و نوآوری‌های آیه‌الله معرفت در محکم و متشابه، نسخ و قرائات»، فخار، سعید به راهنمایی: کاظم شاکر ۱۳۸۹ش.

اخیرا کتابی با عنوان: «آشنایی با مفسران و قرآن پژوهان معاصر»، جمعی از نویسندگان، ۱۴۰۰ش، دفتر اول، تهران، نشر مؤسسه دین‌پژوهی بشری به چاپ رسیده است که حاصل نشست انجمن مطالعات قرآنی است و الهام‌بخش برخی از جنبه‌های نوآوری در این تفسیر بود. مقاله‌ها: «نوآوری‌های علامه طباطبایی در تفسیر المیزان»، سعد غنامی، ۱۳۸۷ش، نشریه کوثر، ش ۷ به چاپ رسیده است.

آثاری که به‌طور ویژه، به سویه‌هایی از تفسیر «من وحی القرآن» پرداخته‌اند، از جمله مقاله‌ها: «روش‌شناسی علامه سید محمد حسین فضل‌الله در نقد آرای علامه طباطبایی در تفسیر المیزان»، رضا قلی زاده و محمدجواد توکلی، ۱۳۹۵، تفسیرپژوهی، ش ۸۱/۶-۱۰۸؛ «بررسی رویکرد آیه‌الله سید محمدحسین فضل‌الله به روایات تفسیری «من وحی القرآن»، غروی نایینی، نهله؛ نجفی، محمد، ۱۳۸۸ش، تحقیقات علوم قرآن و حدیث، سال ششم،

۱) جمعی از اندیشوران، ۱۴۰۰، آشنایی با مفسران و قرآن پژوهان معاصر، دفتر اول، تهران: مؤسسه فرهنگی دین پژوهی بشر.

ش ۲۵/۱۱-۴۸ و "روش مواجهه علامه فضل‌الله با روایات تفسیری در «من وحی القرآن»" سیوش کرمی، ۱۳۹۲، پژوهشنامه تفسیر و زبان، ش ۴۳/۲-۶۷.

با توجه به این‌که در این نوشتار به مطالعه سوره جمعه پرداختیم، برخی از آثاری که به سویه‌هایی از سوره مسبحات پرداخته‌اند. از جمله پایان‌نامه‌ها: «سبک‌شناسی سوره مسبحات قرآن کریم»، رسا، فاطمه، به راهنمایی علی بیانلو، ۱۳۹۳ش، «بررسی سیاقی سوره مسبحات»، امیری، زهرا، به راهنمایی ایرج گلجانی، ۱۳۹۳ش.

با توجه به تنوع نوآوری‌های علامه فضل‌الله در تفسیر «من وحی القرآن» و نو ظهور بودن این موضوع، با مطالعه موردی سوره جمعه، به وضوح می‌توان به جنبه‌های نوآورانه این پژوهش پی‌برد. قدر مسلم تاکنون پژوهش‌های جامعی مبتنی بر استخراج نوآوری‌های علامه فضل‌الله در تفسیر «من وحی القرآن»، به ویژه با تطبیق آن در سوره جمعه انجام نشده است. بنابراین از جنبه‌های نوآورانه پژوهش، پیش‌روی، تازگی و تکراری نبودن آن است.

## ۲. مباحث نظری

### ۲.۱. مفهوم نوآوری

نوآوری در زبان عربی معاصر، معادل کلمه «التجدید» و ابتکار، ابداع، اختراع و بدعت (آفریدن و آغاز کردن و ساختن چیزی بدون الگوی قبلی) است. (ابن منظور، ۱۹۹۷م: ۱۷۶؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ق: ۲۰۹/۱؛ غفرانی، ۱۳۷۱ش: ۵۹۱؛ فرزاد، ۱۳۷۸ش: ۱۰۴۸؛ مصطفوی، ۱۴۳۰ق: ۶۲/۲) و یکی از معادل‌های آن در زبان انگلیسی: «innovation» است. (حق شناس، علی محمد و...، ۱۳۸۷: ۸۲۸) و در اصطلاح به خلاقیت متجلی شده و به مرحله عمل رسیده اطلاق می‌شود. به عبارت دیگر نوآوری یعنی اندیشه خلاق تحقق یافته. (محمدی، ۱۳۸۷ش: ۲۸-۳۵) در معنای لغوی و اصطلاحی این واژه فرق چندانی نیست، بلکه افتراق آن‌ها به استعمال در جمله مربوط می‌شود.

نوآوری در تفسیر قرآن به معنای تغییر دادن دین نیست. بلکه فهم و تبیین بطون و لایه‌های جدید و تطبیق موضوعات تغییر پذیر دین با مسائل و نیازهای جدید در افق زندگی پیشرفته امروزی است. همانطور که فقیه اجازه دارد با توجه به مقتضیات زمان فتوا دهد، مفسر نیز می‌تواند تفسیر و فهم به روز و کارآمدتری از قرآن ارائه دهد و نوآوری کند.

نوآوری در تفسیر قرآن با بدعت متفاوت است چرا که در بدعت فرد از جانب خود گزاره دینی ابداع می‌کند. همچنین نوآوری با تفسیر به رأی نیز سه تفاوت عمده دارد. از جمله این‌که: نوآوری برآمده از علم و آگاهی است (نصیری، ۱۳۷۷ش: ۷۵-۹۸)، پافشاری مفسر بر به کارگیری منابع تفسیری است. (همو)، و در نوآوری توجه مفسر به قرائن، مویدات، استشهدات و اشعار است، در حالی که در تفسیر به رأی گاه مفسر بدون علم و آگاهی

و مراجعه به منابع تفسیری، توأم با پیش‌داوری و از روی احساس، تفسیری ارائه می‌دهد. (درسهایی از مکتب اسلام، ۱۳۵۱ش: ۵۲-۵۷)

بنابراین نوآوری در عرصه تفسیر قرآن را می‌توان نگاهی دوباره و جدید به آیات با توجه به ساختار مبانی و روش‌های نو از قرآن دانست. بدیهی است در این بازنگری روش‌های جدیدی ابداع خواهد شد و یا فهم‌های جدیدی به دست خواهد آمد. باز بودن راه نقد و انتقاد نیز یکی از زمینه‌های رشد نوآوری خواهد بود. نوآوری چه از منظر برون دینی و محققان غربی و غیر مسلمان صورت گیرد؛ و چه از منظر درون دینی باورمندانه به شکل بازخوانی یا بازاندیشی باشد، چنانچه فصل تمایز با بدعت و تفسیر به رأی را رعایت کند؛ امری مطلوب و پسندیده است.

منظور از نوآوری تفسیری به هیچ روی تولید یا فرآورده‌ای صد در صد نو نیست بلکه این مفهوم کاملاً نسبی است. نکات نوآورانه تفسیر «من و حی القرآن» اعم از طرح مطالبی که مسبوق به سابقه در تفاسیر پیشین نبوده؛ مصداقی نو، طبقه‌بندی نو، استدلال یا استنباطی نو، ارائه نقدی جدید و حل تناقضات در مبانی اندیشه و دفع شبهات؛ که این تعریف منطبق بر تعاریف نوآوری در منابع متعدد است. (رک: حماد جوهری، بی‌تا: ۹۸۶/۳؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ق: ۲۰۹/۱؛ خلیون، ۱۳۸۹ش: ۸ و ۹؛ محمدی، ۱۳۸۷ش: ۲۸-۳۵؛ زاهدی، بی‌تا: ۱۷)

## ۲.۲. سوره جمعه و ساختار آن

سوره جمعه شصت و دومین سوره قرآن کریم در ترتیب مصحف و صد و دهمین سوره در ترتیب نزول است که پس از سوره صف و قبل از سوره تغابن در مدینه نازل شده است. این سوره مشتمل بر یازده آیه و یکی از مسبحات هفتگانه قرآن کریم است. (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق: ۱/۱۹؛ ابن عطیه، ۱۴۲۲: ۷/۱۶)

نام این سوره برگرفته از آیه نهم سوره و به معنای آدینه، آخرین روز هفته است. مهمترین مشخصه و در عین حال کارکرد روز جمعه، نقش آن در نظام تقسیم روزهای ماه به واحدهایی هفت‌تایی به عنوان روز پایانی یا تعطیل هفتگی بوده است. برای روز جمعه در اسلام کارکردهای فراوانی از جمله نماز جمعه، نظافت، عبادت، عیادت بیمار و زیارت برادران ایمانی ذکر شده است. (زرنگار، ۱۳۶۷ش: ۷۱۰/۱۶)

سوره جمعه علاوه بر طرح مباحث زیربنایی و اصول دین، مشتمل بر مضامین عالی اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی است، در طول تاریخ تفسیر به ویژه در دوران معاصر مورد توجه مفسرین و قرآن‌پژوهان قرار گرفته است و در این پژوهش برآن شدیم تا نوآوری‌های فضل‌الله را در سوره جمعه مورد مطالعه قرار دهیم.

مضامین عالی این سوره تحت سه سیاق کلی قابل مطالعه است که عبارتند از:

- سیاق اول (آیات ۱-۴): محور اصلی این سیاق تسبیح خداوندی است که با اسما چهارگانه ملک، قدوس، عزیز و حکیم، رسولی امی را در میان امیین مبعوث نمود تا ایشان را تزکیه نموده و به ایشان کتاب و حکمت بیاموزد.

- سیاق دوم (۵-۸): این سیاق درسه محور اصلی است: ۱. یهودیانی که به تورات مکلف شدند اما بدان عمل نکردند. ۲. خود برترینی یهود ۳. دنیاگرایی یهود.

- سیاق سوم (آیات ۹-۱۱): خطاب به مؤمنان با موضوع نماز جمعه و ذکر الله، ضمن مورد خطاب قرار دادن مؤمنان و آموزش آنان بر مقدم داشتن نماز جمعه و ذکرالله بر تجارت به معرفی و توبیخ گروهی پرداخته که سرگرمی دنیا ایشان را از همراهی با رسول خدا (ص) باز داشته است.

مسئله این پژوهش این است که سید محمد حسین فضل الله چه نوآوری‌هایی در تفسیر «من وحی القرآن» دارد؟ این نوآوری‌ها با توجه به سوره مبارکه جمعه چگونه قابل تطبیق و طبقه‌بندی است؟

علامه فضل الله، شخصیت نوآور جهان اسلام است. نوآوری‌های فضل الله در زمینه‌های گوناگون است. وی علاوه بر نوآوری‌های فقهی فراوان، در تفسیر قرآن نیز دارای نوآوری است. فضل الله با بهره‌گیری از فنون ادبی، روشی، گرایشی، روایی و مباحث علوم قرآنی، به نوآوری‌هایی در زمینه تفسیر دست یافته است. که تاکنون مورد پژوهش علمی قرار نگرفته است. از آن جهت که تاکنون نوآوری‌های تفسیری فضل الله مورد پژوهش علمی قرار نگرفته است در این پژوهش بر آنیم تا به معرفی این نوآوری‌ها و تطبیق آن بر سوره جمعه بپردازیم.

### ۳. معرفی نوآوری‌ها

علامه فضل الله در زمینه فقهی نوآوری‌های فراوانی دارد. نوآوری‌های شجاعانه فقهی وی عبارتند از: طهارت تمامی انسان‌ها صرف نظر از عقیده و مذهب؛ اعتماد به علم نجوم در اثبات هلال ماه؛ جواز تقلید از غیر اعلم؛ اعتقاد به عدم مبنای علمی رای فقهی احتیاطی، و مشروعیت ریاست جمهوری و قضاوت زنان. (جمعی از نویسندگان، ۱۴۰۰:ق: ۶۵)

موضوع این نوشتار معرفی نوآوری‌های علامه فضل الله در تفسیر «من وحی القرآن» است. این نوآوری‌ها در پنج بخش گوناگون مورد بررسی قرار گرفت که تحت عنوان زیر مجموعه این بخش‌ها به معرفی آن می‌پردازیم.

#### ۳.۱. بخش ادبی

مقصود از بخش ادبی کلیه بحث‌هایی است که در تفسیر قرآن، پیرامون علوم ادبی شکل گرفته است. هنگامی که از نوآوری در بخش ادبی سخن می‌گوییم باید بدانیم هرگاه با ترکیبی از عناصر زبانی بتوان ارزش افزوده‌ای بیش از ارزش واژگانی و دستوری ایجاد کرد با یک

خلق ادبی مواجهیم و آن ارزش افزوده، نوآوری ادبی است. (رک: محمدنام، ۱۳۹۶: ۱۴۹)  
 علامه فضل‌الله با باور بر دلالت ظاهر، خروج از ظاهر آیه را جز با دلیل قطعی سنت، عقل یا قواعد فنی عربی اعم از فصاحت و بلاغت جایز نمی‌داند. فضل‌الله با توجه به نکات بلاغی، سیاق و تقسیم‌بندی سیاقی، در تفسیر سوره جمعه به نوآوری‌هایی دست یافته است که در زیر به توضیح آن می‌پردازیم.

### ۳. ۱. ۱. توجه به نکات بلاغی

علامه فضل‌الله همچون تفاسیر پیشین، اهتمام به طرح مباحث ادبی و لغوی ندارد و در پی توضیح مجملات نیز نیست. وی با توجه به نکات ادبی معتقد است تنها توجه به ظرافت‌های بلاغی آیات می‌تواند ما را در ارائه تفسیری نوین یاری دهد. وی بر این باور است که یک واژه در استعمال واحد نمی‌تواند دارای دو یا چند معنا باشد. چرا که با اسلوب فهم سازگاری ندارد و وضع یک لفظ برای معانی متعدد، استعمال لفظ را در تمام این معانی واجب نمی‌کند. بلکه استعمال لفظ در هر یک از این معانی نیازمند قرائن حالیه و مقالیه است. وی اجمال را در شناخت معنای مراد، با احتمال بیش از یک معنا می‌داند. لذا مسئله، مسئله امکان و استحاله ذاتی نیست؛ بلکه مسئله، روش هنری (بلاغت) در استعمال کلام در تفهیم آن نزد عرب است؛ و تعدد معنای لفظ از استعمال عرفی عرب دور است. همچنین از جهت بلاغی (قرآن را در بالاترین قله فن بلاغت تصور می‌کند)، منافات دارد. (رک: فضل‌الله، ۱۴۱۹ق: ۱۰/۱)

فضل‌الله در این میان گاه به معانی بی‌سابقه‌ای در شرح تاریخی یک واژه می‌پردازد. وی درباره معنای واژه «امی» در سوره جمعه چند معنا را بدون نقد مطرح نموده و به معنای «گوییم» اشاره نموده است. بنابر بررسی انجام شده، این معنا از «امی» که در تورات مطرح شده است، مورد توجه مفسرین پیشین نبوده است. بنابراین نظر، «امی» منسوب به «امم»، تعبیر عبری در تورات است و مقصود آن، تفکیک عرب از یهودی غیر عرب است و به این معنا است که یهود قوم مختار هستند و بقیه غیر از یهود، همان امم یا «گوییم» هستند. (همان، ۲۰۵/۲۲)<sup>۱</sup>

فضل‌الله در تفسیر آیه ۱۸۰ آل‌عمران که مفسرین در آن به نظریه تجسم اعمال اشاره نموده‌اند، می‌گوید: «کسانی که کوشیده‌اند از این آیه برداشت کنند که اعمال آدمی در روز قیامت، همچون دنیا، به خود، صورت مجسم می‌گیرد، به اسلوب بلاغی قرآن توجه نکرده‌اند. در نتیجه این نوع آیات را بر ظاهر لفظی آن حمل و تفسیر نموده‌اند.» (همان: ۲۷/۱)

وی آیه ۵ سوره جمعه را من باب تمثیل دانسته، معتقد است سبب شمول یهود بر این تمثیل تبدیل نکردن مضامین تورات به یک پروژه عملی توسط ایشان جهت تحولات درونی

(۱) دهقانی، فرزاد و امامی، حسام، ۱۳۹۵، گامی لرزان در پیشگاه مسیحات، ص ۴۰

نفسی برای قرب الهی است. وی می گوید: «این گونه فضل خداوند موجب ارتقای سطح ایشان شده تا بتوانند در حمل عملی رسالت الهیه عمل کنند، تا همچون چهارپایان حامل اسفار نباشند... در پرتو این مطلب یهود در جایگاه هبط عمل هستند چرا که بار مسئولیت رسالتی را که موسی (ع) بر دوش کشید تحمل نکردند و با تعصبات نژادی خود را اولیای الهی دانستند.» (همان: ۲۰۵/۲۲)

فضل الله در سوره جمعه با بکارگیری عناصر تصویرپردازی بر صنعت بلاغی «تجسید» تأکید نموده است. «تجسید» به معنای روح و جسد بخشیدن به امری انتزاعی و بی جان، جهت بارور نمودن تخیل، و تصور مخاطب جهت تقریب معنا به ذهن است. وی می گوید: «و المراد به الصلاة التي تمثل التجسيد الحي المتحرك لذكر الله في حركاتها و سكناتها و قراءتها و أذكارها...» او با این بیان، به کارگیری واژه «صلوة» در آیه ۹ سوره جمعه، تجسید شخصیتی زنده و متحرک، در قالب نماز دانسته است؛ که با تمام حرکات و سکناش خدا را یاد می نماید و مظهریت در ذکر الله یافته است. (همان: ۲۱۷/۲۲)

در واقع علامه فضل الله با باور بر مجازگویی قرآن، هنر بلاغت قرآن را به نمایش می گذارد. وی به کارگیری ندای: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» در این آیه را به جهت برانگیختن عمق ایمان در وجدان مسلمانان و بازگشتن به روح ایمان دانسته؛ تا مسئولیت واجباتشان را با انجام فرائض ثابت، عهده دار شوند و در برابر طوفان حوادث ناگهانی داخلی و خارجی متزلزل نشوند. (همان)

### ۳. ۱. ۲. توجه به سیاق و تقسیم بندی سیاقی نو

از ویژگی های فضل الله سیاق بندی آیات هر سوره است. وی طبقه بندی سیاقی متفاوتی نسبت به سایر مفسرین معاصر در سوره جمعه ارائه داده است. وی به بررسی کلید واژه های هر سیاق تحت عنوان «معنای مفردات» پرداخته و عناوینی متناسب با موضوعات انتخاب نموده است. کوشش فضل الله بر ایجاد ارتباط محتوایی بین آیات سوره و تعیین محوری اصلی برای سوره است.

وی آیات سوره جمعه را در چهار سیاق تقسیم بندی نموده است. ابتدا ۴ آیه اول؛ سپس آیه ۵ را به طور مجزا؛ سپس آیات ۶-۸ و نهایتاً آیات ۹-۱۱ را در یک سیاق بررسی نموده است. به عنوان مثال در سیاق نخست (۱-۴) به معانی واژگان «تسبیح»، «ملک»، «قدوس»، «عزیز»، «حکیم»، «امین» و «یزکیهم» پرداخته است. سپس با محوریت سیاق تحت دو عنوان به تفسیر آیات پرداخته است:

۱. تسبیح هر آنچه در آسمانها و زمین است.

۲. خدا در میان امین رسولی از میان ایشان مبعوث نمود.

فضل‌الله آیات اول سوره را به منزله تمهید برای آیات وجوب نماز جمعه دانسته است و دلیل آمدن تسبیح مستمر تمام کائنات در طلیعه سوره را این دانسته که خداوند خواسته است تا در آغاز سوره همه مجامع و محامدش را ذکر نماید تا بگوید تمام کائنات در تسبیح خداوند جمعند. لذا باید روز جمعه، جمع شدن حول محور ذکرالله و تسبیح خدای تعالی باشد. (همان)

در سیاق دوم (آیه ۵) تحت عنوان: «تورات... و مثل حمار» به تفسیر آیه می‌پردازد. وی می‌گوید: «اگر قضیه در بعثت رسولان، یاد گرفتن کتاب و حکمت و پاکسازی نفوس بوده تا ظرفیت روحی برای عمل به آموزه‌های دینی در ایشان ایجاد شود، پس این آیه جهت برانگیختن مسئله یهود در برابر مسلمانان آمده است. یهودی که کتاب برایشان نازل شد و مضامینش را موسی (ع) به ایشان ابلاغ نمود و آموخت. اما مواجهه ایشان با تورات همچون یک مواجهه قومیتی بود و آن را به عنوان یک میراث تاریخی نگریستند و التزام عملی به آن ننمودند. پس خداوند این مثال را به طور مطلق برای مسلمین که وضعی مشابه یهود در اخذ ظاهری قرآن داشتند نیز تعمیم داده است که شاید قرآن را به اعتبار اینکه به زبان عربی نازل شد، پذیرفتند. زیرا عمق هر دو قضیه یکی است.» (فضل‌الله، ۱۴۱۹ق: ۲۲/۲۱۱)

فضل‌الله آیه ۵ را مقدمه آیه ۶ می‌داند که خطابی است به یهود، که احساس برتری نسبت به سایر مردم داشتند و خود را مقرب نسبت به خداوند می‌دانستند. فضل‌الله مثال ایشان را همچون خران حامل تورات دانسته که تورات را به پروژه عملی جهت تغییر و تحولات درونی در جهت تغییر فساد به صلاح تبدیل نکردند.

در سیاق سوم (آیات ۶-۸) تنها عنوان «قرآن تحدی می‌کند و یهود، قوم برگزیده هستند» مطرح است. و در سیاق چهارم (آیات ۹-۱۱) به معنای چهار واژه «فاسعوا»، «فانتشروا»، «تفلقحون» و «انفضوا» پرداخته است. سپس با عنوان «نماز جمعه و سعی برای ذکرالله»، به تفسیر آیه ۹ می‌پردازد. سپس با عنوان «انتشار به منظور طلب رزق» به تفسیر آیه ۱۰؛ و با عنوان «آنچه نزد خدا از لهُو و تجارت بهترست»، به شرح آیه ۱۱ می‌پردازد و تفسیر این سوره را به پایان می‌رساند.

### ۳.۲. بخش روشی

در بخش روشی به شیوه عملکرد مفسر در تفسیر آیات قرآن می‌پردازیم و منظور از «نوآوری روشی» شیوه خلاقانه سیستماتیک، قابل تکرار و قابل پیش بینی مفسر در تفسیر آیات است. تفسیر «من وحی القرآن»، نه تنها تفسیری روشمند است، بلکه روش این تفسیر، نوآورانه است. فضل‌الله در مقدمه تفسیرش اذعان نموده است: «...چاره کار را این یافتیم که مفاهیم قرآن را به روش نظریه و تطبیق مطرح کنیم تا بتوانیم در مشکلات و مسائل امروز زندگی بشری، از او پاسخ دریافت کنیم... ادعای تفسیر جدید را نداریم، بلکه غالب مطالب

ما از بیانات مفسرین و محققین قرآنی است؛ فقط انطباعات، استنتاجات و استیحاءات به آن اضافه گردیده است.» (همان: ۵/۱)

سبک تفسیری فضل الله شباهت بسیاری به سبک سید قطب در تفسیر «فی ظلال القرآن» دارد و نظرات تفسیری وی تا حد زیادی متأثر از آرای علامه طباطبایی است. ولی این امر موجب نشده تا وی دست از اجتهاد و نقد آرای مفسرین بکشد و روشی منحصر به فرد نداشته باشد. برخی از اندیشمندان تفسیر علامه فضل الله را نتیجه فهمی دانسته‌اند که وی از قرآن کریم داشته و آن را به روشی نوین و به شیوه تحلیلی نگاشته است. (رک: ایازی، ۱۴۱۴ق: ۱۲۸۲/۳)

### ۳. ۲. ۱. روش استیحاء

علامه فضل الله در سراسر آیات، سوره‌ها و تفسیر آن، به کرات عبارت «کیف نستوحی بعض...؟» را به کار برده است و در پاسخ به این سوال مطالبی را از آیه ایده و الهام می‌گیرد. این اصطلاح که به کرات در تفسیر وی آمده است، تنها مختص تفسیر وی است. حال «استیحاء»، به چه معنا است و مقصود علامه فضل الله از به کارگیری این اصطلاح چیست و پاسخگوی چه نیازهایی خواهد بود؟

«استیحاء»، مصدر باب استفعال از ماده «وحی»، به معنای طلب وحی نمودن است. اصل وحی، اشاره سریع و کلام رمز گونه، صوت مجرد از ترکیب، اشاره با بعض جوارح، و کتابت است. کلمة الهیة که خداوند به انبیا و اولیائش القا می‌کند. (فراهیدی، ۱۴۱۰ق: ۳۲۰/۳؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۸۵۸)

مصطفوی وحی را القای امر در باطن غیر دانسته است. خواه این القا، تکوینی، خواه با واردات قلبیه، خواه با علم و ایمان و نور یا با وسوسه و... باشد. در صورتیکه «إلهام» عبارت است از: «القای بدون واسطه از جانب پروردگار در باطن؛ که بیشتر در امور معنوی کاربرد دارد و بدیهی است که وحی چون با شهود قلبی است، استماع صوت، قوی تر از مشاهده چشمی است چراکه توأم با بصیرت یقینی است که اثر عمیق قطعی در باطن بر جای گذاشته که هیچ گونه شکی باقی نمی‌گذارد.» (مصطفوی، ۱۴۳۰ق: ۵۷/۱۳-۵۹)

«استیحاء» از نظر مهدی مهریزی در اصطلاح الهام گرفتن از آیات و ایده پردازی است؛ نه استخراج قانون و دستور. (جمعی از نویسندگان، ۱۴۰۰ق: ۶۶۵)

فضل الله با نظریه «استیحاء» روشی مبتنی بر دو رکن ابداع نموده است. رکن اول متن و رکن دوم، انسان که با فعالیتهای حرکتی ایجاد می‌کند که موجب به حرکت درآوردن متن می‌شود. بر این اساس ما هستیم که از ایحاء قرآن «استیحاء» می‌کنیم. به بیان روشن تر این ما هستیم که با الهام گیری از آیات، قرآن را به نطق در آورده و به پاسخگویی سوالات خود برمی‌انگیزیم. در روش استیحاء فضل الله، مفاهیم به دست آمده از آیه به هیچ روی برآمده

از مدلولات لفظی آیات نیست؛ بلکه چیزی فراتر از استظهار نمودن است. مدلولی غیر از مدلول ظاهری آیه مقصود او است که وی از حقیقتی با عنوان «وحی شدن مجدد آیه» یا «استلهام» از آن یاد می‌کند. همان مفهومی که در روایات مأثور ائمه طاهرین (ع) از آن به تأویل اعظم مفهوم اعمق یاد شده است. (رک: فضل الله، ۱۴۱۹ق: ۲۶/۱)

به عنوان نمونه وی درباره صفات چهارگانه: «الملک، القدوس، العزیز، الحکیم» در آیه ۱ سوره جمعه می‌گوید: «چه بسا برخی از مفسرین مناسبت این صفات را برای مضمون سوره «استیحاء» کرده‌اند. صفت «ملک» با تجارتی که برای آن شتاب می‌کنند؛ «قدوس» با لاهی که از ذکر خدا به سوی آن می‌روند؛ «عزیز» با مباحله‌ای که یهود به آن فراخوانده می‌شوند و مرگی که گریزی از آن نیست؛ و «حکیم» با اختیار رسولی امی از میان خود ایشان ... این مطالب از جنبه استیحایی، ظریف و دقیق است گرچه در دلالت واضح نیست.» (همان: ۲۰۴/۲۲)

فضل الله آیه ۹ سوره جمعه را تأکید بر اقامه نمازی می‌داند که دو خطبه، جایگزین دو رکعت آن شده است و مسلمانان موظفند بر آن اهتمام ورزند. این خطبه‌ها بدل از نماز و مقدم بر آن بوده و مشتمل بر ضروریات اجتماعی و سیاسی است که مردم برای دنیا و آخرتشان بدان نیازمندند. وی با روش استیحایی نتیجه می‌گیرد کلام و وعظ مرشدانه در مسائل سیاسی حیاتی مسلمانان، خود نوعی از نماز به شمار می‌آید. تأکید فراوان خداوند بر حضور در نماز جمعه به گونه‌ای بوده است که بر هیچ نماز دیگری این گونه تأکید ننموده است و تنها ترک آن در شرایط ضرر، حرج یا اضطرار جایز است، پس بیع را در هنگام اذان نماز جمعه حرام نمود و خطاب: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا» به جهت برانگیختن وجدان عمیق ایمان در وجود مؤمنین است تا ادای این واجب را در هیچ شرایطی از بحرانهای داخلی و خارجی فراموش نکنند و این به جهت پافشاری بر بازگشت این صفت به شخصیت ایشان و جریان داشتن آن در زندگی ایشان است تا تحت تأثیر جو حاکم در جامعه قرار نگیرند.» (همان/۲۱۶)

فضل الله همچنین عبارت: «فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ» را حاوی این الهام می‌داند که منابع روزی در دست خداست و انسانی که در طلب روزی و سعی در به دست آوردن آن است امید به فضل خدایی دارد که هم مصادر و هم موارد روزی و تکفل آن در دستان فضل الله است. (همان: ۲۱۸)

### ۳.۳. بخش گرایشی

هر مفسر بنا به پیش‌زمینه‌ها یا تخصص خود در تفسیر، رویکرد و گرایش خاصی دارد. فضل الله در تفسیر، به جای توجه به احکام فقهی، به تحلیل اجتماعی-تربیتی آیات توجه داشته است.

### ۳.۳.۱. گرایش اجتماعی\_ تربیتی

گرایش اجتماعی فضل‌الله در تفسیر بر مبنای آزاداندیشی، واقع‌نگری، تغییر و حرکت، دوری از به‌کارگیری روایات نامعتبر و عدم اهتمام به مجملات، نقد و اجتهاد و فراعصری بودن است. همین مبانی موجب شده است تا ما گرایش اجتماعی وی در تفسیر را به عنوان گرایشی نوین و بی‌سابقه بدانیم. وی در سراسر تفسیرش توجه ویژه‌ای به آزادی و کرامت انسان نموده است. واژه «حریه» در این تفسیر ۳۰۵ بار تکرار شده است. وی با قرار دادن قرآن در معرض واقعیت‌های موجود اجتماع به تفسیر آیات آن می‌پردازد. از نظر او قرآن می‌تواند پاسخگوی سوالات روز و حلال مشکلات بشر امروز باشد. با این رویکرد طبیعی است که وی اهتمام به آموزه‌های تربیتی قرآن داشته باشد و بر عقل و دانش‌های روز نیز تأکید نماید و با زبانی همه‌فهم و واضح سخن بگوید. وی همانگونه که در مقدمه تفسیرش بیان نموده است با هرگونه تعقید در متن قرآن مخالف است. لذا آیات را از منظر فلسفی، فقهی یا حتی ادبی تفسیر نمی‌کند. همچنین برخلاف بسیاری از مفسرین اهتمام بر تفصیل مجملات ندارد. وی در مقدمه چاپ دوم (۱۴۱۹ق) که به منهج بیانی قرآن پرداخته است با استفاده از روایات و آیاتی که دلالت بر مبین بودن قرآن دارد، هرگونه اغماض و پیچیدگی را از قرآن منتفی دانسته است. فضل‌الله می‌گوید: «... مِمَّا يَعْنِي أَنَّ الْآيَاتِ الْقُرْآنِيَّةَ لَا تَنْطَلِقُ فِي خَطِّ التَّعْقِيدِ اللَّفْظِيِّ وَالْمَعْنَوِيِّ أَوْ الْإِشَارَةِ الرَّمْزِيَّةِ الَّتِي لَا تُوْحَى لِلنَّاسِ بِالْوَضُوحِ فِي الْفَهْمِ». «... آنچه بدین معنا است که آیات قرآن در جهت تعقید لفظی و معنوی یا بیان رمزگونه‌ای نیست که موجب عدم وضوح معنای آیات می‌شود.» (فضل‌الله، ۱۴۱۹ق: ۹/۱)

پربسامدترین واژه در تفسیر «من وحی القرآن»، واژه «حرکه» است. این واژه که ۲۵۱۷ بار در تفسیر وی تکرار شده است بیانگر مهم‌ترین مبنای علامه در گرایش اجتماعی\_تربیتی او است. فضل‌الله، قرآن کریم را متشکل از واژه‌های ایستا، بی‌جان و جامد نمی‌داند؛ بلکه قائل به حرکت واژه‌ها در امتداد زمان است. وی هدف محور است و هدف وی تربیت انسانی مطابق آموزه‌های قرآن، در جهت محقق شدن اهداف اجتماعی\_تربیتی قرآن است. وی با باور به امکان ایجاد تغییر در پی آن است که با دمیدن روح حیات‌بخش آیات در انسان و بازگشت به آموزه‌های قرآنی، حلقه اتصالی میان قرآن و زندگی بشر ایجاد کند و این قرآن است که می‌تواند انسانی پرشور و فعال تربیت کند که قادر به حل مسائل و مشکلات جامعه بشری باشد.

پس از واژه حرکت، واژه‌هایی نظیر «واقع» به معنای «واقعیت»؛ «الدعوه» به معنای «تبلیغ»، از پربسامدترین واژه‌ها در این تفسیر است. به گونه‌ای که تفسیر هیچ سوره‌ای خالی از این واژه‌ها نیست. هنگامی که با واژه «واقع» روبه‌رو می‌شویم به این مبنای علامه پی می‌بریم که وی قرآن را کتابی ناظر بر واقعیت می‌داند که باید در متن زندگی انسان ایفای نقش نماید. فضل‌الله در تفسیر آیه: ﴿إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَفُصُّ عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَكْثَرَ الَّذِي هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ﴾

(نمل ۷۶) می گوید: «قرآن، کتابی مجرد و ذهنی نیست بلکه در هر زمانی ناظر به واقعیت است و هر جامعه‌ای می تواند خویش را در آن بیابد و حس کند.» (همان: ۲۴۱/۱۷؛ ۳۸۲/۱۴)

واژه «دعوة» حاکی از باور علامه بر جاذبه زیاد دین اسلام و رسالت قرآن و مسلمانان بر گسترش دین الهی است. دینی که گاه با گفتگو و گاه با جهاد رخ می نماید و آموزه‌های آن ظرفیت تطبیق با اقتضانات زمان را دارد؛ نه مانند یهودیان که داعیه هیچ گونه تبلیغی در دین ندارند. همان گونه که در مقدمه تفسیرش اذعان نموده است: «تمامی آن چه امیدوارم این کوشش‌ها به بار آورد، اندکی جدیت در عرضه اسلوب و تحرک آفرینی تفسیر در اوضاع کنونی است که تبلیغ اسلام نیازمند آن است. قرآن در تمامی زمینه‌های علمی در راه و هدفی باشد که بر گرفته از وحی قرآن گردد.» (همان: ۸/۱)

در سوره جمعه، مفسر پس از ارائه تفسیر تربیتی از عبارت «ویزکیهم ویعلمهم الکتاب والحدیث» آیه دوم در پایان به ارزش تربیت اسلامی و مکانیزم عملکرد آن اشاره نموده است. این نوع مواجهه فضل الله در تفاسیر تربیتی پیشین و هم عصر وی بی سابقه است. وی معتقد است ارزش شیوه اسلامی در تربیت انسان، در این است که تأکید بر وحدت فکری دارد. وحدت فکری که همه قضایا از آن نشأت می گیرد. به گونه‌ای که در آن، وحدت شخصی در چارچوب عملی وحدت تلاقی می کند و این همان چیزی است که می تواند امت اسلامی را دارای ابعاد مختلف فرهنگی، روحی، سیاسی و اقتصادی در حرکت انسان در سطح جهان قرار دهد. (فضل الله، ۱۴۱۹ق: ۲۰۵/۲۲)

### ۳.۳.۲. نقد و تحلیل اجتماعی\_تاریخی

علامه فضل الله از تحلیل اجتماعی\_تاریخی در تفسیرش بهره برده است؛ قدرت مفسر بر تطبیق آیات بر مسائل اجتماع عصر حاضر، جلوه ویژه و نویی از تفسیر را به نمایش گذاشته است به عنوان نمونه:

فضل الله در تفسیر سیاق دوم سوره جمعه (آیه ۵-۸) به ریشه‌های تاریخی رفتار و انگاره‌های غلط یهود از جمله نژادپرستی، برگزیدگی (بقره/۴۷، ۴۰)، محبوبیت نزد خداوند و خودبرتربینی (مائده/۱۹) در ادوار مختلف تاریخ می پردازد. وی عامل اصلی رفتار و توهمات آنان را در زندگی پیچیده شخصی این قوم و ظلم‌هایی که در طول تاریخ تا قبل از مبعوث شدن موسی (ع) برایشان شده بود دانسته است. عقده‌های ایشان کم کم به تعصب نژادی تبدیل شد و عوامل و شرایط خارجی به گونه‌ای شد که آنان گمان نمودند اولیای الهی هستند که آخرت تنها اختصاص به آنان دارد و جز ایشان کسی به بهشت نمی رود و آنان قوم برگزیده هستند. و وضع به گونه‌ای دگرگون شد که این فکر به عداوت و دشمنی آنان با امت های دیگر، توطئه، تخریب و دسیسه‌چینی انجامید. قرآن کریم مکرر از این ایده یهود یاد نموده است. (همان: ۲۱۳/۲۲-۲۱۴)

### ۳.۳.۳. فراعصری بودن و قابلیت تعمیم

آیه ۶۱ آل عمران، مشهور به آیه مباحله است که سابقه تاریخی آن به قضیه تاریخی مناظره رسول خدا (ص) با مسیحیان نجران بازمی‌گردد. ولی علامه فضل الله در مقدمه بحث در آیه ۶ سوره جمعه جریان مباحله را منحصر در شأن نزول آیه ۶۱ آل عمران ندانسته، و معتقد است در این آیه نیز نوعی از مباحله رخ داده است. وی معتقد است قرآن در آیات فراوانی به غیر از این آیه به وضوح نظریه خلقت اولیه بشر را مطرح نموده که انسان‌ها هیچ برتری ذاتی یا الهی نسبت به یکدیگر ندارند. این موضوع در خلال آیات تحدی و مباحله درباره یهود که خود را نژاد برتر می‌دانستند نیز روشن است تا دروغین بودن ادعای یهود و بطلان موقعیتی که برای خود نزد خداوند متصورند روشن گردد.

فضل الله می‌گوید: «در این آیه نیز ایشان را با لفظ «هادوا» خطاب نموده تا به ماموریت الهی موسی (ع) اشاره نموده و بگوید اگر خودتان را از خاصان درگاه پروردگار می‌دانید و برای خودتان علو شأن و منزلت قائلید و خود را شعب مختار می‌دانید، پس اگر در این ادعا راستگویید مرگ را آرزو کنید چرا که عدم طلب و کراهت از مرگ صرفاً به دلیل محاسبه اعمال و دوری از پروردگار است.» (فضل الله، ۱۴۱۹ق: ۲۲/۲۱۲)

مطابق این دیدگاه علامه فضل الله سنت مباحله را تنها منحصر به یک واقعه تاریخی و مربوط به مسیحیان نجران ندانسته است. بلکه با تعمیم سنت‌های الهی، این سنت را نسبت به یهود و در برابر ادعاهای گزاف ایشان در دیگر آیات نیز جاری می‌داند و معتقد است آیات ششم تا هشتم این سوره در مقام تحدی با یهود به مباحله با ایشان پرداخته است. با این نگرش مباحله در همه اعصار و زمان‌ها در نظایر این وقایع امکان‌پذیر است.

### ۳.۴. بخش روایی

علامه فضل الله در مقدمه تفسیرش ضمن باور به اولویت قرآن نسبت به سنت در داشتن حجیت یقینی و تفسیر، توجه ویژه‌ای به روایات تفسیری و جایگاه آن در تفسیر آیات می‌نماید، چرا که معتقد است روایت نقش مهمی در شکل‌گیری ذهنیت مسلمانان و تطبیق آن با واقع دارد. ایشان عدم افراط در کاربری روایات تفسیری را ضروری دانسته و معتقد است نباید روایات تفسیری را بدون تحقیق و بررسی در قطعیت، در معنای تفسیری آیات دخیل نمود. فضل الله معتقد است میان روایات تفسیری و احادیث فقهی مربوط به حوزه عمل مکلف، تمایز وجود دارد و بر عهده مفسر است که در بررسی روایات تفسیری همچون روایات اعتقادی به مرحله یقین یا نزدیک به یقین برسد و گرنه ممکن است منجر به زوال اعتقادی گردد. وی معتقد است ضروری است روایات، قطعی یا قریب به قطعی باشند و حتی گاهی لازم است در آن روایات توقف و احتیاط کرد. (رک: همان: ۱/۱۴)

### ۳. ۴. ۱. جامع‌نگری و نگرش اجتماعی در نقد محتوایی روایات

فضل الله در مقدمه تفسیرش پس از اظهار نظر درباره جایگاه روایت در تفسیر، توجه ویژه‌ای به جایگاه اسباب نزول، اشخاص و موارد مشخصی که قرآن ذکر می‌کند، نموده و دو نکته را درباره اسباب نزول قابل ملاحظه می‌داند:

اول اینکه تفسیر آیه را متوقف در نقطه عزیمت اسباب نزول نمی‌داند. زیرا بر این باور است که قرآن زنده است و اقتضای حیات، حرکت است. لذا آیات قرآن در امتداد زمان و مکان در جریان هستند و مفهوم یک آیه از قرآن کریم یا موضع‌گیری آن در یک واقعه، قابل بسط، جری و تطبیق در امتداد تاریخ به جریان‌های روز و در سطح واقع است و این قابلیت موجب می‌شود تا از خلال اسباب نزول با بسط مفهوم نظریه‌های راهبردی مناسب زمان حاضر و آینده در رویارویی با شرک، کفر، ظلم و طغیان استخراج شود.

دوم اینکه: با وجود اینکه آیات در چارچوب مضمون فکری معینی در حرکتند، اما به اعتبار ارتباط معنوی که آیه آن را در معنایی دیگر و با در نظر گرفتن نتایج عملی شامل می‌شود، آیه در هر زمان به صورت جدیدی بر ما نازل می‌شود. و این همان چیزی است که در روایات ماثور از ائمه معصومین (ع) تحت عنوان تأویل از آن یاد شده است. همان مفهومی که بر اساس مدلول لغوی و ظاهری آیه برداشت نمی‌شود، بلکه بر مبنای مدلولی غیر از مدلول ظاهری آیه فهم می‌شود. (همان: ۲۶-۲۷)

علامه فضل الله با اجتهادهای فراوانی که در مورد شأن نزول آیات نموده است، چهره نوینی از تفسیر روایات را به نمایش گذاشته است. (به عنوان نمونه: همان: ۲۰۰/۳، ۱۰۶/۷، ۲۹/۱۰ و ۶۸/۲۴-۶۵)

وی در سوره جمعه با بهره‌گیری از نقد محتوایی شأن نزول آیه ۱۱، نمونه‌ای نوآورانه از برداشت تفسیری را به نمایش گذاشته است و با ایده‌پردازی درباره نقش رهبری در جامعه اسلامی معتقد است طرح شأن نزول در برخی آیات خدای سبحان، دائماً از نقاط ضعف موجود در جامعه اسلامی برای نسل مسلمان در صدر اول (صحابه)، برای ما سخن می‌گوید؛ تا بر این مسئله تأکید کند که وجود نقاط ضعف در هر دوره از ادوار مسلمانان، اسلامیت ایشان را ملغی نمی‌کند و ذره‌ای از مسئولیت رهبری در تعامل با ایشان نمی‌کاهد. توجه به نقاط قوت داخل ایشان یا دیگر افرادی که دارای ضعف هستند، ضروری است. وی، رهبری به جهت توجه و رشد از طریق کلام الله و از طریق ارائه الگو، یا از طریق ترغیب و ترهیب را ضروری می‌نماید. (همان: ۲۲۰/۲۲)

فضل الله می‌گوید: «شاید ظاهر واقعه این بود که مسلمانان در مسجد گرد رسول الله (ص) بودند در حالی که وی خطبه می‌خواند...»، اما حق مطلب این است که مردم در هر زمان و مکان، همان مردم هستند، و بر عهده عاملین تبلیغ و جهاد است که طبیعت انسان را مورد

مطالعه قرار دهند و نقاط ضعف و قوتش را بررسی نمایند، تا هنگامی که مومنان به طور غافلگیرانه‌ای دچار برخی انحرافات شدند، جامعه دچار سقوط نشده و یاس بر آن‌ها غلبه نکند. این نحوه مواجهه قرآن با کسانی است که رسول خدا (ص) را در حال خطبه‌ها و نماز ترک نمودند و به سوی لهو و تجارت روانه شدند.» (همان)

### ۳.۵. بخش علوم قرآنی

در بخش علوم قرآنی مباحث گسترده‌ای مطرح است که در این نوشتار نمی‌توان به همه آن‌ها پرداخت. لذا در این مجال اندک، تنها به بحث قرائات و مکی و مدنی در تفسیر من وحی القرآن پرداختیم.

### ۳.۵.۱. بحث قرائات

علامه فضل الله در مقدمه چاپ دوم تفسیر در جایی که از منهج بیانی قرآن سخن گفته است، از جایگاه محکم و مشابه، ظاهر و باطن، و مجمل و مبین بحث نموده است. در این پژوهش، مبحث قرائات در تفسیر این سوره، مورد مذاقه قرار گرفته و نوآوری در تفسیر من وحی القرآن در این موضوع ملاحظه نشده. این مطلب حاکی از باور علامه فضل الله بر تفکیک مباحث علوم قرآنی از تفسیر است. در دوره معاصر با تأکید اکثر مفسرین بر تفکیک مباحث علوم قرآنی از تفسیر، ضرورت بررسی مباحث علوم قرآنی و کم کاری در حوزه رابطه تفسیر و علوم قرآنی، همچنان باقی است.

مفسران و قرآن پژوهان معاصر، ضمن نقد معیارهای پیشین و بی تأثیر دانستن قرائات در حل مشکلات، معیارهای نویی را بر آن افزوده و دامنه قرائات معتبر را به قرائات مشهور ارتقاء بخشیده‌اند.

علامه فضل الله نیز در مقدمه چاپ دوم با مورد توجه قرار دادن مباحث علوم قرآنی می‌گوید: «هناك عدة أبحاث حول عناوين القرآن مما يتمثل في علوم القرآن، نرجو أن نوفق لتقديم بحث مفصل عنها في كتاب جديد» «در اینجا مباحثی قرآنی مطرح است که از مباحث علوم قرآنی به شمار می‌آید و امیدواریم که در کتاب جدیدی به این مباحث بپردازیم.» (همان: ۲۰/۱)

این سخن فضل الله بیانگر باور او بر تفکیک مباحث علوم قرآنی از تفسیر است.

### ۳.۵.۲. بحث مکی و مدنی

نگاه علامه فضل الله به بحث مکی و مدنی، نگاهی متفاوت نسبت به مفسرین پیشین است. فضل الله در طلیعه تفسیر بسیاری از سوره‌ها، بحث از مکی و مدنی بودن سوره را تحت عنوان: «فی اجواء السوره» مطرح نموده است. او بحث از مکی و مدنی بودن سوره را در

خدمت تفسیر اجتماعی\_تربیتی درآورده و با استفاده از تفاوت سبک دعوت نبی اکرم(ص) در آیات مکی و مدنی، سعی در تطبیق و به‌روزرسانی شیوه‌های دعوت اسلامی در عصر حاضر دارد.

بیان موضوع و محورهای اصلی سوره از حرکت‌های نوین تفاسیر معاصر است که پیش از «من وحی القرآن»، نیز در تفاسیر مشاهده می‌شود. اما فضل‌الله در اکثر سوره‌ها علاوه بر بیان این خطوط کلی به صورت خلاقانه‌ای با بیان جو و فضای حاکم بر سوره، با نگاه کل‌نگرانه خود، به محورها و موضوعات اصلی سوره پرداخته و سعی در عنوان‌دار کردن محورهای اصلی یک سوره نموده است. وی در اغلب سوره‌ها پس از بیان محورهای اصلی سوره، نتیجه‌گیری نیز تحت عنوان: درس‌هایی از سوره، ایحاثات، استنتاجات، استیحاءات آورده است. (به عنوان نمونه: فضل‌الله، ۱۴۱۹ق: ۲۱۵-۲۱۷؛ ۱۹۱/۱۵-۱۹۶)

در سوره جمعه نیز تحت عنوان «فی أجواء السورة» می‌گوید: «این سوره مدنی جهت بیان تأثیر نقش رسول در تغییر جامعه جاهلی که در مکه یا جزیره العرب زندگی می‌کرد، نازل شد تا با آیات الهی که رسول بر ایشان تلاوت نموده، ایشان را تزکیه نماید و سطح فکر و فرهنگ ایشان را ارتقا بخشد و عملکرد ایشان را مطابق کتاب و حکمت گرداند. این گونه فضل خداوند موجب ارتقای سطح ایشان شده تا بتوانند در حمل عملی رسالت الهی عمل کنند؛ تا همچون چهارپایان حامل اسفار نباشند. تکریم الهی شامل حال عاملین عالم از ایشان می‌شود که این بهای حقیقی انسان است. در پرتو این مطلب، یهود در جایگاه هبط عمل هستند چرا که بار مسئولیت رسالتی را که موسی بر دوش کشید تحمل نکردند و با تعصبات نژادی خود را اولیای الهی دانستند. پس خداوند هم ایشان را با درخواست مرگ، تحدی نمود. گرچه ایشان هرگز چنین درخواستی نکردند. چرا که از آثار وخیم آن مطلعند و این گونه بر مؤمنین تأکید نموده که مشغولیت به دنیا، موجب ترک ذکرالله و نماز جمعه نشود. نمازی که در روز جمعه، روز گردهمایی هفتگی مسلمانان جهت عبادت خداوند برگزار می‌شود.» (همان)

### نتیجه‌گیری

یکی از شخصیت‌های نوآور در عرصه تفسیر معاصر، علامه محمدحسین فضل‌الله است. با مطالعه موردی سوره مبارکه جمعه، نوآوری‌های تفسیری علامه فضل‌الله را می‌توان در پنج بخش ادبی، روشی، گرایشی، روایی و برخی مباحث علوم قرآنی طبقه‌بندی و معرفی نمود.

- **بخش ادبی:** در جهت رفع نقیصه نگاه ادبی محض و تجدید نظر در روش‌های سنتی تفسیر، تعمد مفسر بر عدم اهتمام بر لغت و صرف و نحو کاملاً آشکار است. گرچه اهتمام ویژه‌ای بر جنبه‌های بلاغی نظیر استعاره، تمثیل، تجسید و... دارد. از سوی دیگر، توجه فراوان مفسر به سیاق، موجب شده تا تقسیم‌بندی سیاقی نوینی در هر سوره ارائه نماید

و ضمن نگاه کلی به سوره و پرداختن به محورهای اصلی هر سوره، عناوینی متناسب با موضوعات هر سیاق تعیین کند.

- **بخش روشی:** فضل الله با این که ادعای نگارش تفسیری جدید را نداشته، ولی با الهام گیری و ایده پردازی در روش استیحایی، باور بر زنده بودن، جاری بودن و فراعصری بودن قرآن دارد و به تقویت این اندیشه می پردازد که باید در هر زمان از قرآن برای حل مسائل روز الهام گرفت.

این روش مبتنی بر دو رکن متن وانسان است که طی آن انسان می تواند از وحی قرآن الهام بگیرد. شاید بتوان این روش را تطبیقی بر روش استنطاقی دانست که علی (ع) آن را در نهج البلاغه عنوان نموده است. بنابراین گرچه تفسیر «من وحی القرآن» همچون «المیزان فی تفسیر القرآن» با روش قرآن به قرآن به تفسیر آیات پرداخته است و در سبک شباهت زیادی به تفسیر «فی ظلال القرآن» سید قطب دارد، اما آنچه موجب نوآورانه بودن این تفسیر می شود، روش نوین استیحایی او است. همین امر تفسیر «من وحی القرآن» را زنده و امروزی و متناسب با مقتضیات زمانی و مکانی، جهت ساختن و هدایت انسان گردانده است.

- **بخش گرایشی:** فضل الله پرداختن به مسائل اجتماعی- تربیتی، با روش های عقلی در تفسیر قرآن را ضرورتی انکارناپذیر می داند که حل چالش های روزآمد را در پی دارد. مبانی وی در گرایشات اجتماعی عبارتند از: آزاداندیشی، واقع نگری، تغییر و حرکت، دوری از به کارگیری روایات نامعتبر و عدم اهتمام به مجملات، نقد و اجتهاد، فراعصری بودن و اعتقاد به قابل تعمیم بودن آیات.

واژه «حرکه» بیانگر مهم ترین مبنای الله است. فضل الله، هدف محور است و هدف او تربیت انسانی مطابق آموزه های قرآن، در جهت محقق شدن اهداف تربیتی قرآن است. وی با باور به امکان ایجاد تغییر در پی آن است که با دمیدن روح حیات بخش آیات در انسان و بازگشت به آموزه های قرآنی، حلقه اتصالی میان قرآن و زندگی بشر ایجاد کند و این قرآن است که می تواند انسانی پرشور و فعال بیافریند که قادر به حل مسائل و مشکلات جامعه بشری باشد.

با اینکه روش تفسیر تاریخی از روش های مستقل تفسیر در دوره معاصر است، ولی علامه تنها گزاره های تاریخی را به عنوان یک گرایش در تفسیر خود به کار بسته و گاه به نقد و تحلیل اجتماعی-تاریخی می پردازد.

- **بخش روایی:** در این بخش، نوآوری مفسر در کاربست روایات تفسیری به دور از افراط، نو و درخور توجه است. فضل الله همچنین با جامع نگری به نقد محتوایی-متنی روایات شأن نزول سوره جمعه پرداخته و از آن الگوی رهبری در جامعه اسلامی را الهام می گیرد.

- **بخش علوم قرآنی:** در این بخش، تنها دو مبحث «قراءات» و «مکی و مدنی بودن»

بررسی شد که در زمینه قرائات، نوآوری در تفسیر سوره مبارکه جمعه مشاهده نشد، چرا که مفسر عزمی بر بیان پاره‌ای از مباحث علوم قرآنی (که به زعم او کارآمدی در تفسیر اجتماعی آیات ندارند) نداشته است. اما در طلیعه بسیاری از سوره‌ها بحث از مکی و مدنی بودن را تحت عنوان «فی اجواء السوره» مطرح نموده و در خدمت تفسیر اجتماعی-تربیتی خود درآورده است. وی ضمن تاکید بر تبلیغ و گسترش دین اسلام با الهام از تفاوت سبک دعوت نبی اکرم (ص) در آیات مکی و مدنی، سعی در تطبیق و به‌روزرسانی شیوه‌های دعوت اسلامی در عصر حاضر دارد. همچنین فضل‌الله با بیان جو و فضای حاکم بر سوره و با نگاه کل‌نگرانه خود، به محورها و موضوعات اصلی سوره پرداخته و سعی در عنوان‌دار کردن محورهای اصلی یک سوره نموده است. بر خلاف انتظار پژوهشگر، آنچه مفسر در تفسیر سوره جمعه ذکر نموده است، بسیار کمتر از نوآوری‌هایی بود که در اجزای متعدد تفسیر «من‌وحی‌القرآن» مشاهده شد. بنابراین علامه فضل‌الله با این که ادعا بر نگارش تفسیری جدید ندارد، ولی تفسیر «من‌وحی‌القرآن» در بخش‌ها و عناوین یادشده دارای نوآوری است.

## کتابنامه

- قرآن کریم
- ابن فارس، احمد بن زکریا (۱۴۱۴ق): «مقایس اللغه»، چاپ دوم، بیروت: دارالفکر.
- ابن عطیه آندلسی، عبدالحق بن غالب، (۱۴۲۲ق): «المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز»، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ایازی، سید محمدعلی (۱۴۱۴ق): «المفسرون حیاتهم و منهجهم»، تهران: وزارت ارشاد و فرهنگ اسلامی.
- بحرانی، سیدهاشم (۱۴۱۶ق): «البرهان فی تفسیر القرآن»، تهران: بنیاد بعثت.
- جمعی از نویسندگان (۱۴۰۰ش): «آشنایی با مفسران و قرآن پژوهان معاصر»، تهران: مؤسسه فرهنگی خلیون، نشر بشر.
- حق شناس، علی محمد و... (۱۳۸۷ش): «فرهنگ معاصر هزاره انگلیسی»، تهران: نشر فرهنگ معاصر.
- خلیون، سلیمان (۱۳۸۹ش): «اخلاقیت و نوآوری»، مجله اندیشه صادق، سال نهم، شماره ۸ و ۹، ص ۱۸-۲۴
- دهقانی، فرزاد (۱۳۹۵ش): «گامی لرزان در پیشگاه مسبحات»، مشهد: انتشارات مینوفر.
- بجنوردی، کاظم (۱۳۷۳ش): «دایره المعارف بزرگ جهان اسلام»، به کوشش کاظم بجنوردی، تهران: مرکز دائره المعارف بزرگ اسلامی.
- زاهدی، شمس السادات؛ الوانی، سید مهدی (۱۳۹۰ش): «فرهنگ جامع مدیریت»، نوبت پنجم، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- زرنگار، احمد (۱۳۶۷ش): «دایره المعارف بزرگ اسلامی»، به کوشش محمد کاظم موسوی بجنوردی، تهران: مرکز دائره المعارف بزرگ اسلامی.
- غفرانی، محمد، آیت الله زاده شیرازی، مرتضی (۱۳۷۱ش): «فرهنگ اصطلاحات روز فارسی-عربی»، تهران: امیرکبیر.
- فضل الله، محمد حسین (۱۴۱۹ق): «تفسیر من وحی القرآن»، نوبت دوم، بیروت: دارالملاک للطباعه و النشر.
- کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۴۲۹ق): «الکافی»، قم: دارالحدیث.
- محمدنام، سجاد (۱۳۹۶ش): «شاخصه‌های طبقه‌بندی روش‌های تفسیری»، جعفر نکونام و سید رضا مؤدب.
- محمدی، ناهید (۱۳۸۷ش): «اخلاقیت در مدیریت»، مجله کار و جامعه، سال نهم، ش ۱۰۳، ص ۲۸-۳۴
- مصطفوی، حسن (۱۴۳۰ق): «التحقیق فی کلمات القرآن الکریم»، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- نصیری، علی (۱۳۷۷ش): «تفسیر به رای»، تهران: نشریه علوم و معارف قرآنی، سال اول، شماره ۶-۷، ص ۷۵-۹۸

## Bibliography

- The Holy Quran
- Ibn Faris, Ahmad Ibn Zakaria, (1414 A.H.), Maqais al-Lagheh, Beirut: Dar al-Fikr
- Ibn Attiyah Andalsi, Abd al-Haqq bin Ghalib, (1422 AH): "Al-Maharr al-Awjiz fi Tafsir al-Kitab al-Aziz", Beirut: Dar al-Kitab al-Alamiya.
- Ayazi, Seyyed Mohammad Ali (1414 AH): "Al-Mufsarun Hayatham and Man-hagham", Tehran: Ministry of Islamic Guidance and Culture.
- Bahrani, Seyyed Hashem (1416 AH): "Al-Burhan fi Tafsir al-Qur'an", Tehran: Ba'ath Foundation.
- A group of authors, (1400 S.H.): "Acquaintance with contemporary commentators and Quran scholars", Tehran: Khayyoun Cultural Institute, Bashara Publishing House.
- Haqshanas, Ali Mohammad and..., (1387 S.H.): "Contemporary Culture of the English Millennium", Tehran: Farhang Mazares.
- Khai Khaileun, Suleiman, (1389 S.H.): "Creativity and innovation", Andisheh Sadeq magazine, ninth year, numbers 8 and 9, pp. 18-24
- Dehghani, Farzad, (1395 S.H.), A Trembling Step in the Face of Massabarat, Mashhad, Minofar Publications.
- Bojnordi, Kazem, (1373 S.H.), Islamic World Encyclopaedia, Volume 16, by the efforts of Kazem Bojnordi, Tehran: Big Islamic Encyclopedia Center.
- Zahedi, Shams Al-Sadat; Alwani, Seyyed Mehdi (1390SH): "Comprehensive Culture of Management", fifth edition, Tehran: Allameh Tabatabai Universit
- Zaranegar, Ahmad, (1367 S.H.), Islamic Big Encyclopedia, Juma, edited by Mohammad Kazem Mousavi Bejnordi, Vol. 16, Tehran : Big Islamic Encyclopedia Center.
- Ghofrani, Mohammad, Ayatollahzadeh Shirazi, Morteza, (1371 S.H.), Dictionary of Persian-Arabic terms, Tehran: Amirkabir.
- Fazlullah, Muhammad Hossein, (1419 A.H.), Tafsir Man Wahi Al-Qur'an, Beirut: Dar al-Mulak Lal-Taba'ah and Al-Nashr.
- Kolini, Muhammad ibn Yaqub ibn Ishaq (1429 AH): "Al-Kafi", Qom: Dar al-Hadith.
- Mohammadnam, Sajjad, (1396 S.H.), "Indices of Classification of Interpretation Methods", Jafar Nekonam and Seyed Reza Moadeb.
- Mohammadi, Nahid, (1387 S.H.): "Creativity in Management", Journal of Work and Society, Year 9, Vol. 103, pp. 28-34
- Mustafavi, Hassan, (1430 A.H.), Tahaqiq fi kalamat al-Qur'an al-Karim, Tehran: Book Translation and Publishing Company.
- Nasiri, Ali, (1377 S.H.): "Tafsir Be Rai", Tehran: Journal of Quranic Sciences and Education, first year, number 6-7, pp. 75-98